فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

به‌بهانه ساخت مستند «تروکاژ»

پدیده سلبریتی چقدر در ایران واقعی است؟

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین دغدغه‌های جامعه ایران در هفت تا هشت سال گذشته، سلبریتی‌ها و به‌طور کل پدیده سلبریتیسم بود. این یک پدیده وارداتی است که از دل مناسبات طبیعی جامعه ایران برنخاسته و حتی ورود آن به کشور ما هم نه کاملا توسط مردم، بلکه توسط سیاستگذاران فرهنگی اتفاق افتاده است. خاستگاه اصلی چنین پدیده‌ای، جامعه آمریکاست؛ جامعه‌ای که می‌تواند یک هنرپیشه درجه دوم مثل رونالد ریگان را رئیس‌جمهور کند یا حتی بدتر از آن یک مجری تاک‌شوی تلویزیونی را به این جایگاه برساند که در هنگام شیوع ویروس کرونا، مردم را به خوردن وایتکس دعوت کند و خیلی‌ها هم به حرفش گوش دهند. آمریکا در اوج ثروت، همان ثروتی که پل والری درباره‌اش می‌گوید: «آمریکا تنها کشوری در جهان است که برای رسیدن به این ثروت و جایگاه، هیچ زحمتی نکشیده» و در اوج بهره‌برداری از امکانات آموزشی و اجتماعی که چنین ثروتی را برایش فراهم کرده‌اند، حداعلای سطح فرهنگ خود را چنین نشان می‌دهد که سال ۲۰۰۸ میلادی، وقتی جی لنو حین مصاحبه با اسکارلت جوهانسون در یک برنامه تلویزیونی، با مشاهده سرماخوردگی او یک دستمال کاغذی به این هنرپیشه هالیوودی می‌دهد و جوهانسون با دستمال کاغذی دوبار اقدام به تمیز کردن بینی خود می‌کند، بعدها در برابر چشمان ناباور تمام دنیا مشاهده می‌شود که این دستمال کاغذی در جریان یک حراجی آمریکایی به قیمت ۵۳۰۰ دلار فروخته می‌شود.

آیا در جامعه‌ای مثل ایران با تاریخ و هنجارهای چندهزار ساله، می‌توان امیدوار بود که استقبال از پدیده‌ای مثل سلبریتیسم پایدار بماند و مردم آن را پس نزنند؟ تجربه همین چند سال اخیر نشان داد که چنین نیست. سلبریتی‌ها با دوپینگ اینستاگرام در ایران جایگاهی بالاتر از حد معقول و طبیعی خودشان کسب کردند. اینستاگرام یک نرم‌افزار تصویرمحور است و در مقایسه با نرم‌افزارهای متن‌محور یا آنهایی که به هر حال در طراحی‌شان جایگاه مناسبی برای متن مکتوب در نظر گرفته شده، بهترین و مناسب‌ترین قالب برای جامعه نمایشی است. اگر در ایران چنین وضعیتی نداشتیم که تقریبا بدون استثناء، تمام پلتفرم‌های مجازی فیلتر باشند و فقط اینستاگرام باز باشد، قطعا تا این اندازه با پدیده سلبریتیسم مواجه نمی‌شدیم. سیاستگذاران فرهنگی از ابزارهای دیگری هم برای میدان‌بخشی به سلبریتی‌ها استفاده کردند و در کل این جماعت با استفاده از یک سری رانت‌های سیاستگذاری شده، اهمیتی صدچندان بیشتر از حد واقعی خودشان کسب کردند.

با این حال بدنه جامعه ایران بعد از مدتی این عضو پیوند داده شده ناهمخوان را پس زد. در مستند تروکاژ ابتدا به این پرداخته می‌شود که هالیوود چطور ستاره‌هایش را مهار می‌کند تا در روی خودش نایستند و بعد به ایران می‌رسد که در آن سلبریتی‌ها وقتی منافع‌شان ایجاب کند، علیه سیستمی که پدیدآورنده آنها بوده، رفتارهای ساختارشکنانه انجام می‌دهند. برای اینکه خیال مخاطب راحت شود و بداند که این موضعگیری‌های ساختارشکنانه از سر آزادگی و دغدغه‌مندی نیست، به ویزای EB۱ که برای اخذ آن، شخص هنرمند باید مواضع سیاسی‌اش طی پنج سال اخیر را موافق با مواضع سیاسی آمریکا اعلام کند هم اشاره شده است. چنان‌که مشخص است، پدیده سلبریتیسم در ایران اگرچه از یک‌سو طبیعی و درون‌زاد نیست و برای همین سرنوشت خوبی در عینیت اجتماعی پیدا نکرد، اما از طرف وارداتچی‌هایش با غلظتی چندبرابر بیشتر از خود هالیوود یا تمام بنگاه‌های سرمایه‌داری و سرگرمی‌سازی آمریکا پیاده شده است. آیا ما در مهار سلبریتی‌ها موفق بوده‌ایم؟ به نظر می‌رسد چنین نباشد، اما مشکل اینجاست که بخشی از آنچه آنها می‌گویند و خیلی از ما نمی‌پسندیم، چیزی است که آنها برای گفتنش و جاانداختنش طراحی و پروار شده‌اند. سلبریتی‌های ایران مروج یک سبک زندگی اعیانی، نمایشی و غرب‌گرا هستند و کارکرد ویژه‌ای که توسط سیاستگذاران فرهنگی سال‌های اخیر برای آنها طراحی شده، همین است. به هرحال مستند تروکاژ دغدغه درستی را پیدا کرده و به آن پرداخته است. نمی‌شود که اسم کودک‌مان را رستم بگذاریم و بعد از اینکه صدایش کنیم بترسیم. این سلبریتی‌ها بدون سیستم فرهنگی هنری ایران نخواهند توانست به چنین جایگاه و شهرتی برسند. آنها حتی برای ویزای EB۱، غیر از موضعگیری ساختارشکنانه علیه ایران، به جوایز جشنواره‌هایی مثل فجر یا جشن خانه سینما که در قالب ساختار رسمی کشور برگزار می‌شوند، احتیاج دارند و در ضمن، باید قراردادهای مالی‌شان را که در سینمای داخلی منعقد شده، ضمیمه پرونده کنند. اما به همان جشنواره فجر و به همان سیستمی که بسیاری از این فیلم‌ها را ساخته و آنها بازی یا کارگردانی‌شان کرده‌اند، می‌تازند و بخش دیگری از پرونده را تکمیل می‌کنند.

> **سلبریتی‌های ایران در فضایی که اینستاگرام برایشان فراهم کرده، حتی لازم نیست که فیلم بسازند یا بازی کنند و فیلم‌ها دیده شود تا خودشان هم دیده شوند. آنها با حضور در فضای مجازی، یعنی پلتفرم انحصاری اینستاگرام در حاشیه زندگی کنند و اصلا سراغ متن را نگیرند**

طرح این دغدغه درست و پرداختن به اینکه سازوکاری برای مهار سلبریتی‌ها و چهره‌های مشهور لازم است، درکنار بیان این دو نکته می‌توانست کامل باشد که اولا سلبریتیسم پدیده‌ای برآمده از ساختار اجتماعی ایران نیست و حتی با آن ناهمخوانی‌های آشکاری دارد. این پدیده با دوپینگ‌های سیاستگذاران فرهنگی و به نیات سیاسی و جناحی خاصی تا این حد تقویت شده است و نکته دوم اینکه سلبریتی‌های ایران در فضایی که اینستاگرام برایشان فراهم کرده، حتی لازم نیست که فیلم بسازند یا بازی کنند و فیلم‌ها دیده شود تا خودشان هم دیده شوند. آنها با حضور در فضای مجازی، یعنی پلتفرم انحصاری اینستاگرام در ایران، می‌توانند در حاشیه زندگی کنند و اصلا سراغ متن را نگیرند. تا وقتی این وضعیت اصلاح نشود، هرقدر هم که جامعه واکنش‌های منفی بیشتری نسبت به سلبریتی‌ها نشان بدهد، این پدیده به حیات خود ادامه خواهد داد. البته به این نکته در مستند اشاره می‌شود که کل تماشاگران سینمای ایران طی یک سال، حدود پنج میلیون نفر هستند و دنبال‌کنندگان هنرپیشه‌ها یا بعضی چهره‌های سینمایی در اینستاگرام، در هر مورد ممکن است تا چندین‌برابر این عدد برسد. درعین‌حال، بررسی‌های ریشه‌شناختی این قضیه یا به‌عبارتی این وضعیت مصنوعی، اهمیت ویژه‌ای دارد که در کار به آن توجه نشده است. گذشته از اینها، در کل با تماشای کار اطلاعات خوبی دریافت می‌کنیم که می‌توانند سوالات خوبی برای مخاطب ایجاد کند یا او را به فکر این بیندازد که چه راه‌حلی برای از میان برداشتن این معضل باید یافت.

افشای راز سلبریتی‌ها

احسان رشیدی
روزنامه‌نگار

مستند «تروکاژ» تحلیل جامعه‌شناسانه و سیاسی از رفتار سلبریتی‌های هالیوودی تا سلبریتی‌های وطنی سینمای ایران دارد. سازندگان این مستندکوتاه با جمع‌آوری اطلاعاتی مستند، گزارشی روشن و شفاف به مخاطب ارائه می‌دهند. در طراحی مستند از تصاویر آرشیوی بادقت استفاده شده و مستند، شجاعانه در برابر سلبریتی‌ها قد علم کرده است. حتی بین هنرمندان هم بگومگوهای زیادی در مورد به‌کار بردن واژه سلبریتی وجود دارد و بعد از مبتذل شدن این واژه در فضای مجازی، حالا دیگر خیلی از هنرمندان ایرانی هم دوست ندارند که سلبریتی خطاب‌شان کنند. به‌هرحال واضح است که لزوما هر فرد مشهوری، سلبریتی نیست و سلبریتی‌شدن نیازمند بروز یک کنش مستمر و مدام بین فرد با جامعه پیرامونش است. ما می‌دانیم که سلبریتی‌ها مثل ما زندگی می‌کنند، مثل ما بچه‌دار می‌شوند و مثل ما غذا می‌خورند اما انگار اینها چیزهایی دارند که بیشتر از شهرت به آنان کمک می‌کند. چیزی که آنها را متمایز می‌کند و باعث می‌شود خبرهای پیش پا افتاده‌شان همه‌جای دنیا را پر کند. سلبریتی‌ها به قضاوت شدن توسط دیگران محتاج هستند و برای همین است که دوست دارند مدام خود را در معرض قضاوت دیگران قرار دهند. در مورد همه‌چیز اظهارنظر می‌کنند و حتی حاضرند تن به رسوایی بدهند.

بلندگوی سلبریتی‌ها کجاست؟

در دنیای همزیستی با شبکه‌های اجتماعی، تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در رسانه‌ها رسوخ کرده است و می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی به مهم‌ترین انبارهای اطلاعاتی سلبریتی‌ها بدل شدند و به تبلیغ راحت‌تر و دیده شدن بیشتر آنها کمک کرده‌اند. سلبریتی‌ها به کمک شبکه‌های اجتماعی می‌توانند اطلاعات‌شان را روزبه‌روز و بلادرنگ در اختیار دیگران قرار دهند و اتفاقا از همین نقطه است که تبدیل به ظرفیتی بالقوه برای بنگاه‌های رسانه‌ای می‌شوند و افزایش ترافیک وب‌سایت‌ها، لایک‌ها و کامنت‌ها، هم تضمینی برای دوام آنهاست. فرصت مانوررسانه‌ای برای سلبریتی‌ها هم در انواع و اقسامش فراهم است تا شاهد نمونه‌هایی از سلبریتی جریان‌ساز و سلبریتی شورشی باشیم. این سوژه‌های کنجکاوی‌برانگیز، ذهن ما را مشغول می‌کنند و در این فرآیند است که سلبریتی تبدیل به یک کارگزار فرهنگی یا یک قوه اجتماعی می‌شود.

قدم اول مستندسازی برای افشای یک راز

اسفند سال ۱۳۹۷ در گزارشی با عنوان «راز مواضع رادیکال سلبریتی‌ها» در روزنامه «فرهیختگان» به این اشاره شده بود که از اوایل دهه ۹۰ شاهد یک حلقه جدید از حضور هنرمندان در خاک آمریکا هستیم و به‌عبارتی درکنار حلقه هنرمندان ایرانی در لس‌آنجلس که از دوران قبل انقلاب شکل گرفته بود و سپس بر تعداد آن به‌شدت افزوده شد، حلقه جدیدی از چهره‌های هنری ایران، این‌بار در ایالت واشنگتن شکل گرفته است. وزارت خارجه دولت اوباما شرایط جدید و ویژه‌ای را برای اخذ گرین کارت این کشور توسط هنرمندان و ورزشکاران و افراد ثروتمند ایرانی ایجاد کرده بود و موجی از مهاجرت عوامل سینمای ایران به آمریکا از همان تاریخ آغاز شد. عنوان حقوقی گرین کارتی که برای نخبگان صادر می‌شد، EB۱ بود و رده مخصوص به شخصیت‌های مشهور بدون کارفرما، EB۱a نام داشت. در همان گزارش آمده بود که در پرتال اداره مهاجرت آمریکا شرایط ده‌گانه‌ای برای اخذ ویزای EB۱a ذکر شده است و البته در دوره ترامپ، موارد جدیدی هم به شرایط دریافت ویزا اضافه شد. طبق گزارش «رویترز»، بند پایانی تکمیل فرم روادید دولت آمریکا از متقاضیان ویزای آن کشور در سراسر جهان می‌خواهد که سابقه فعالیت خود در شبکه‌های اجتماعی طی پنج سال گذشته و همچنین اطلاعات بیوگرافی خود از ۱۵ سال گذشته را ارائه دهند. این قوانین در ۲۳ می ۲۰۱۷ توسط دفتر مدیریت و بودجه تایید شد. البته این قوانین فقط مربوط به گرین کارت چه از نوع EB۱a و چه از رده‌های دیگر نیست و انواع روادید از سراسر جهان را شامل می‌شود. حدود دو هفته قبل در جشنواره مردمی عمار، از مستند تروکاژ رونمایی شد. این مستند ۳۵ دقیقه‌ای را محمدهادی نعمتی کارگردانی کرده است و به‌قول خودش به همین بند دریافت گرین کارت آمریکا می‌پردازد. نعمتی در این باره گفت:

«یکی از بندهای دریافت گرین کارت آمریکا، این است که شخص یا سلبریتی باید درباره کشورهایی که متحد آمریکا نیست سیاه‌نمایی و بد بگوید و درباره کشورهای متحد آمریکا، خوب صحبت کند که در دریافت ویزا و گرین کارت آمریکا امتیاز برای آن شخص و سلبریتی محسوب می‌شود.» کارگردان مستند آرشیوی تروکاژ افزود: «مدتی بود می‌دیدیم برخی سلبریتی‌ها نظرهایی می‌دهند، در صورتی که نه سوادش را داشتند و نه به آنها ربطی داشت. برای تولید این مستند بندهای قانون ویزا را مطالعه کردیم. در بندهایش آمده که شما باید مواضعی بگیرید و در جشنواره‌هایی شرکت کنید و جایزه بگیرید که شناخته‌شده و بین‌المللی باشند و مواضعی که می‌گیرید موافق نظر ایالات متحده باشد، یعنی اگر کشورتان مخالف نظر ایالات متحده بود باید مخالف نظر آن را بگوید. افراد هرچه بیشتر به این کارها عمل کنند زودتر ویزا دریافت می‌کنند.»

«تروکاژ» نمایش یک حقه سینمایی

احسان شادمانی
تهیه‌کننده مستند تروکاژ

تقریبا نزدیک دو دهه است که سلبریتی‌ها یا ستاره‌های سینمای ایران فعالیتی فراتر از اجرای نقش در قاب دوربین به خودشان گرفته‌اند و دارای اثرگذاری و خصوصا مقبولیت اجتماعی در فضای مجازی شده‌اند. فالوورهای میلیونی دارند و زمانی که حرفی می‌زنند حتی به غلط، قشر فراوانی از این جامعه مجازی با آنها هم‌نظر شده و در اصطلاح لایک می‌شوند.

فرقی هم نمی‌کند این اظهارنظرها چقدر درست هستند یا براساس کدام پایه و استدلال بنا شده‌اند. همیشه برای خودم این سوال وجود داشت که چطور مخاطب مجازی می‌تواند بر این استدلال و ادعاها تکیه کند و بدون کوچک‌ترین تحقیقی آنها را بپذیرد. از تجویز داروی ترک اعتیاد توسط فردی که تنها دیپلم رشته تجربی دارد تا «نه به اعدام» تروریست‌هایی که دست‌شان به خون هزاران نفر از مردم بی‌گناه کشور آلوده شده است. حتی برخی از این ستاره‌ها یا همان سلبریتی‌ها زحمت اندک مطالعه‌ای را به خودشان نمی‌دهند، تا جایی که کلام امیرالمومنین(ع) را با امضای کوروش به کار می‌برند یا در مسائل کلان اجتماعی نظر می‌دهند. شاید کسی با خودش بگوید: «آزادی بیان هست و هرکسی می‌تواند نظر خودش را بیان کند!»

شاید در ظاهر این حرف مشکلی نباشد، اما وقتی فرد یک مرجع اجتماعی لقب می‌گیرد، دیگر با یک فرد عادی تفاوت بسیاری دارد و کلمه به کلمه حرف‌هایش و حتی رفتارهایش مورد ارزیابی و استناد مخاطبان قرار می‌گیرد. داستان سلبریتی‌ها و اظهارنظرهای وقت و بی‌وقت‌شان هم شامل همین قاعده است. زمانی که با این دغدغه ایده ساخت مستند «تروکاژ» در ذهن تیم سازنده ایجاد شد، منابع متعددی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. اظهارنظرهای فرهنگی، هنری، مذهبی و حتی اجتماعی چندساله سلبریتی‌ها را مطالعه کردیم، اما چیزی که برایمان جای تعجب داشت، صحبت‌ها و جهت‌دهی آنها به نفع جریان سیاسی خاص و به‌تبع آن ذائقه‌سازی برای مخاطب بود یا اینکه بخواهند با ایجاد دغدغه‌های کاذب به دنبال رای به کاندیداهای خاص در ایام انتخابات باشند.

عملی که امروز و بعد از گذشت هشت سال از دولت روحانی، آثارش کاملا مشهود است و قطعا نقش سلبریتی‌ها در این انتخاب‌سازی قابل انکار نیست. هرچند یکی یکی و با ظرافت خاصی در حال شانه خالی کردن از مسئولیت این عمل هستند.

در طول پژوهش و نگارش سناریو چند گره مهم در ذهن تیم تولید ایجاد شد. اولا آیا سلبریتی‌ها مرجع اجتماعی هستند یا فقط ابزاری برای پیشبرد اهداف دیگران. دوما آیا این افراد واقعا دلسوز مردم هستند یا برای اهداف خاص خودشان اظهارنظرهای شاذ می‌کنند؟ و سوم اینکه چطور فردی با سطح سواد سیکل یا دیپلم که کمترین آشنایی با مسائل سیاسی کشور ندارد، می‌تواند به مرجع فکری میلیون‌ها جوان و نوجوان بدل شود!

برای نقد این جریان نمی‌شد بیانیه صادر کرد و باید به‌سمت مقایسه با نمونه‌های مشابه بین‌المللی می‌رفتیم؛ یعنی هالیوود. برای همین جنس مستند از جنس مقایسه‌ای و بررسی سندی است.

قراردادهای محکم، تعهدهای سفت‌وسخت، نظارت‌های چندلایه، وابستگی سلبریتی به تهیه‌کننده، گام‌برداشتن در مسیر ترسیمی سیستم، انجام‌بی‌چون‌وچرای تعهدات، اینها همگی قواعدی بود که برای چارچوب‌مند کردن رفتار ستاره‌های سینما انجام می‌شود. اما نه در ایران! بلکه در هالیوود.

حتی اگر شما مارلون براندو باشی و اسکار سال ۱۹۷۳ را تصاحب کنی، اما بخواهی از کشتار سرخ‌پوست‌ها توسط دولت آمریکا انتقاد کنی، دیگر آن جایگاه قبلی خود را نخواهی داشت و با لقب گرفتن «فرزند بد هالیوود» آرام‌آرام کنار گذاشته می‌شوی. نمونه‌های بسیاری را بررسی کردیم از هالیوود تا بالیوود؛ از ضابطه‌مند بودن و شفافیت حقوق و دستمزد تا پرداخت مالیات‌ها. در یک کلمه از نظارت جدی و بدون تعارف سازمان رسانه‌ای با ستاره‌ای که تنها یک کارمند هنری است!

در میانه راه با موضوعی مواجه شدیم که برای خودمان بسیار جالب بود و تعجب دوچندان از این موضوع که چرا رسانه‌های داخلی به جز یکی دو مورد از آن حرفی به میان نیاوردند؛ یعنی ویزای «EB۱a» جوازی برای ورود و اقامت در بنگه‌دنیا، ایالات‌متحده آمریکا.

ویزایی برای ستاره‌های هنری، ورزشکاران و ثروتمندان. دارای ۱۰ بند که در دولت اوباما نگارش شده و یک بند که در دولت ترامپ به آن اضافه شده است. بند الحاقی از همه بندهای دیگر قابل تامل‌تر بود. در بند جدیدی که دولت ترامپ به ویزای EB۱a اضافه کرده، افراد مشهور را ناچار می‌کند در فضاهای عمومی و شبکه‌های اجتماعی، اظهارنظرهایی همسو با سیاست‌های دولت آمریکا داشته باشند، این کار فعالیت آنها را با بخش‌های دیگری از فعالیت‌شان که لازمه تکمیل فرم‌های روادید است و صرفا توسط همکاری با جمهوری اسلامی فراهم می‌شود، ترکیب خواهد کرد و معجون عجیبی به‌وجود می‌آورد. به‌عبارتی چنین فردی لازم است حتما در مراسم‌های دولتی حضور پیدا کند و در همان جا طوری موضع بگیرد که به‌نظر برسد به نظام جمهوری اسلامی اعتقادی ندارد.

حالا با کنار هم گذاشتن بسیاری از اظهارنظرهای سلبریتی‌ها در سال‌های اخیر کمی پازل «تروکاژ» برایمان تکمیل‌تر شده بود. «تروکاژ» با هنر و هنرمند مخالف نیست، بلکه به دنبال مرزی است تا هنرمندان و بازیگران را از سلبریتی‌ها جدا کند؛ ستاره‌هایی که صرفا به دنبال نفع‌های شخصی هستند که به‌نام جامعه هنری تمام می‌شود. راستی تا یادم نرفته این را هم برای مخاطبان بگویم که معنی تروکاژ یعنی «حقه سینمایی»؛ حقه‌ای که جلوی دوربین برای جذابیت بیشتر تصویر زده می‌شود و ما آن را واقعیت فرض می‌کنیم!